



۲۰۱۵/۰۴/۲۷

احمد فواد ارسلا

ماستری در مطالعات تحلیل استخباراتی
ماستری در مطالعات امنیت ملی و منظفوی تمرکز بر آسیای جنوبی آسیای میانه و خلیج عرب

استفاده ماهرانه دولت ایران از دیپلماسی عامه

در دنیای وسیعاً انترنتی مرتبط امروز نقش دیپلماسی عامه پر ارزش و مهم است و ممالک و سیاستمدارانی که از دیپلماسی عامه (PUBLIC DIPLOMACY) به صورت درست استفاده مینمایند آسانتر به منافع سیاسی شان میرسند. دولت ایران و خاصاً سیاستمدار تعلیم یافته در امریکا و وزیر خارجه فعلی ایران محمد جواد ظریف در پهلوی استفاده وظیفوی از دیپلماسی معمول رسمی بین الدول، دیپلماسی عامه را به صورت ماهرانه و موفقانه مورد استفاده قرار میدهد، و این جای تعجب نیست که محمد جواد ظریف یکی از جمله 100 رهبر مؤثر سال 2015 دنیا توسط مجله تایم انتخاب گردیده است. گرچه محترمه رولا غنی خانم رئیس جمهور افغانستان هم در عین کتگوری و در عین سال انتخاب شده است و این برای افغانها در سرتاسر دنیا قابل افتخار است، اما نبودن منابع و پلان و ظرفیت مادی و مسلکی در افغانستان، و خاصاً نبودن یک احساس عمومی منافع علیای افغانستان صرف نظر از موضعگیری های سیاسی قومی در بین افغان های خارج از افغانستان، توانائی محترمه رولا غنی و دولت افغانستان را در استفاده از دیپلماسی عامه به نفع افغانستان در سطح جهانی محدود خواهد ساخت. برخلاف جواد ظریف و دولت ایران با استفاده از منابع عظیم مالی و مسلکی، با استفاده از دو قدرت دولتی تشکیلات منظم استخباراتی، و مطبوعاتی ایران و با استفاده از موجودیت یک احساس عمومی ایرانی ها در مورد بقای ایران و در جهت منافع علیای ایران (که از دولت و حکومت باید جدا و بالاتر باشد) حتی در خارج از ایران از این انتخاب مجله تایم هم حد اکثر استفاده سیاسی و تبلیغاتی را خواهند برد.

یکی از تعریف های عمومی کتابی دیپلماسی عامه به قرار ذیل است: "دیپلوماسی عامه آن جنبه از مرادات و تماس های ذات البینی دیپلماسی عمومی را در بر میگیرد که نه تنها جهانی و بین المللی میباشد، بلکه در بر گیرنده یک تعداد زیادی از عمل کنندگان و تشکیلات میباشد. دیپلوماسی عامه یک طرز العمل عمده ای محسوب میشود که بوسیله آن اعتبار متقابل بین ملت ها و روابط پر ثمر در بین آنها بوجود می آید که در نهایت باعث بوجود آمدن یک محیط مطمئن جهانی خواهد شد." به این معنی که استفاده از منابع و تشکیلات و اشخاص در جهت تغیر ذهنیت عامه جهانی و فشار آوردن و تغیر نظریات سیاسی در ممالک دیگر خاصاً تغیر و تأثیر بر قدرت های بزرگ و مؤثر، در مورد موضوعات بین المللی، به نفع مملکتی که دیپلماسی عامه را استفاده میکند.

دولت ایران که یک دولت دیکتاتوری مذهبی متکی بر تشکیلات و سلسله مراتب اهل تشیع خاص ایرانی (که از مذهب شیعه محترم دنیا و افغانستان مجزا است) میباشد از دیپلماسی عامه در تمام دنیا منجمله افغانستان با تمام قدرت و ماهرانه استفاده کرده و میکند و طوریکه خصوصیت دولت های دیکتاتوری است دیپلماسی عامه برای این نوع دولت ها در حقیقت یک نوع وسیله تبلیغاتی پلان شده، منظم، کنترل شده و عمدتاً تحت اداره تشکیلات استخباراتی میباشد. در مورد فعالیت های دولت ایران در دنیای اسلام و افغانستان از زمان انقلاب اسلامی نوع خاص تشیع ایرانی و کوشش برای صدور انقلاب اسلامی با ایجاد مراکز فرهنگی ایران، موسسات خیریه، ایجاد تلویزیون ها به زبان ها فارسی، اردو، عربی، انگلیسی و حتی اسپانیائی مطالب زیادی در مطبوعات و وسایل ارتباط عامه در داخل و خارج افغانستان نوشته شده است که در این مقاله مطالعه نمیشود.

در این مقاله یک جنبه استفاده موفقانه از دیپلماسی عامه دولت ایران را در امریکا و جهان غرب در جریان مطالعه سه قضیه، سه شخص، و سه نوع دیپلماسی عامه مطالعه میگردد و دیده خواهد شد که چگونه این نوع دیپلماسی عامه که از طرف دولت ایران و استخبارات ایران ماهرانه و مستقیم کنترل میشود از فعالیت و نظریات ایرانی ها در جهت تغیر نظریات عامه امریکا و فشار بر سیاست های امریکا در مورد ایران، به صورت مستقیم و غیر مستقیم استفاده میشود و در نهایت منافع دولت ایران برآورده میشود.

د پانوی شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آن لائن په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

قضیه و شخص اول : محمد جواد ظریف

ظریف در سیستم اظهار نظر آبی و کوتاه انترنتی که توئیتر twitter نامیده میشود به مناسبت روز کرسس سال 2014 چنین نوشت:

" به امید این که روحیه ای کرسس لذت ، صلح ، یکدلی و رحم را برای همه در سرتاسر دنیا در تمام سال به ثمر برساند . کرسس مبارک." این یک نمونه از فعالیت دیپلماسی عامه محمد جواد ظریف وزیر خارجه ایران است که تعلیم یافته امریکا میباشد و در دیپلماسی عامه مهارت زیاد دارد و مداوم از آن استفاده میکند. ظریف از سیستم یوتیوب Youtube، فیس بوک Facebook، توئیتر Twitter ، مقالات در اخبار های بین المللی، مصاحبه ها با تلویزیون های بین المللی و دیگر سیستم های مفاهمه جمعی انترنتی با تمام قوا در پیشبرد منافع ایران و ترسیم یک چهره ملایم از دیکتاتوری مذهبی متکی بر تشکیلات و سلسله مراتب اهل تشیع خاص ایرانی ماهرانه و موفقانه استفاده کرده و میکند. وقتی دولت ایران با گروپ 1+5 در شهر لوزان سویس در مورد چارچوب ابتدائی برای موافقه نهائی در مورد دوسیه اتمی ایران به موافقه رسیدند ، محمد جواد ظریف پیشتر از اعلامیه و مصاحبه مطبوعاتی رسمی و پیشتر از دیگر مقامات سهیم در مذاکرات در ساعت 12:49 نیم شب روز دوم اپریل از طریق سیستم انترنتی توئیتر چنین اعلام کرد : " راه حل را پیدا کردیم . برای نوشتن فوری مسوده آماده هستیم. " ظریف از هر موقعیت مناسب مصاحبه های تلویزیونی و انترنتی وغیره استفاده کرده با معلومات زیادی که در مورد روحیه مردم امریکا ، مطبوعات و وسایل ارتباطات عامه امریکا، سیاست داخلی امریکا و غیره دارد نظریه و روحیه مردم مطبوعات و وسایل ارتباط عامه را به نفع دیکتاتوری مذهبی متکی بر تشکیلات و سلسله مراتب اهل تشیع خاص ایرانی تغیر میدهد . این فعالیت ظریف و متحدین وی تا آن حدی موفقانه است که یک تعداد زیادی از مردم و خبرنگاران و حتی سیاستمداران امریکا به این مفکوره نادرست رسیده ند که اختلاف نظر محافظه کاران ایران و معتدلان ایران مثل مخالفت حزب دیموکرات و جمهوری خواهان امریکا است، بدون آنکه در نظر بگیرند که دولت دیکتاتوری مذهبی متکی بر تشکیلات و سلسله مراتب اهل تشیع خاص ایرانی توسط تشکیلات رهبری خامنه ای و سپاه پاسداران در داخل و خارج ایران با دسپلین آهنین اداره میشود و این بازی محافظه کار و معتدل در ایران در نهایت توسط خامنه ای ، سلسله مراتب ملاها و سپاه پاسداران کنترل میشود. محمد جواد ظریف با استفاده از دیپلماسی عامه و با استفاده از منابع عظیم مالی ایران و با استفاده از تشکیلات بسیار پیشرفته و پیچیده و عمیق استخبارات ایران در تغیر مفکوره مردم و خبرنگاران و سیاستمداران امریکا ماهرانه و موفقانه عمل کرده است که یکی از این عملیات ظریف در امریکا استفاده از تشکیلاتی است بنام شورای ملی ایرانی های امریکائی (National Iranian American Council (NIAC). رئیس این شورا شخصی بنام تریتا پارسا است که تریتا پارسا و شورای وی قضیه دوم مطالعه ما میباشد. اما قبل از آن که قضیه دوم را طرح کنیم باید خاطر نشان بسازیم که ارتباط محمد جواد ظریف ، و دولت ایران و البته در پشت پرده استخبارات و منابع مالی ایران با شورای ملی ایرانی های امریکائی کم و بیش واضح شده و بسیاری از تحلیلگران منطقه و ایرانی های ضد دولت دیکتاتوری مذهبی متکی بر تشکیلات و سلسله مراتب اهل تشیع خاص ایرانی از آن مطلع میباشند. جان لمبرت ،یکی از امریکائی های گروگان گرفته شده در سفارت امریکا در تهران در سال ها 70 و از طرفداران فعلی رژیم ایران در یک ایمیل افشا شده به تریتا پارسا ارتباط " پر منفعت" خود را با محمد جواد ظریف و تریتا پارسا و ارتباط تریتا پارسا و شورای ملی ایرانی های امریکائی را با ظریف و دولت ایران افشا میسازد:

" تریتا! من میخواستم از تو تشکر کنم که برایم ملاقات با سفیر صاحب ظریف را میسر ساختی. و در جریان این سفر اخیرم به نیویارک من با وی یک ملاقات پر منفعت داشتم. یکبار دیگر از اینکه این ملاقات را میسر ساختی از تو تشکر میکنم. " جان لمبرت بعداً معاون وزیر خارجه امریکا مقرر شد.

قضیه و شخص دوم : تریتا پارسا

تریتا پارسا رئیس شورای ملی ایرانی های امریکائی

(National Iranian American Council (NIAC) یک تشکیلات بزرگ و متنفذ ایرانی ها و "دوستانان" ایران میباشد که با نمایش یک چهره غیر مذهبی در ظاهر غیر وابسته به دولت دیکتاتوری مذهبی متکی بر تشکیلات و سلسله مراتب اهل تشیع خاص ایرانی با اظهارات دیموکراسی و آزادی و شعار صلح ، در حقیقت منافع دولت ایران را در امریکا تقویه و تبلیغ میکند. اگر به ویب سایت رسمی این تشکیلات بروید دیده میشود که چگونه منحصی یک گروپ فشار اذهان عامه در امریکا و کانگرس امریکا را هدف قرار میدهند؛ به صورت مثال در ستون دوم ویب سایت از طرف چپ زیرعنوان " عمل کنید- ACT " دیدن کنندگان از این ویب سایت را به طرف نوشتن به

د پانو شمیره: له 2 تر4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

طرفداری از مذاکره با ایران و در نهایت در جهت منافع ایران هدایت میکنند و حتی پارچه امتحان و نمره دادن برای اعضای کانگرس درست کرده اند که آنها را بر اساس رای دادن و موضعگیری موافق و مخالف در رابطه با ایران قضاوت میکنند .

تریتا پارسی که در ایران تولد شده است و در سویدن به سن بلوغ رسیده است ، بعد از نقل مکان به امریکا از پوهنتون جان هاپکنز امریکا در شق روابط بین المللی دکتورا بدست آورده است و سال های زیادی است که با تشکیل شورای ملی ایرانی های امریکائی به طرفداری از دولت ایران و برای نزدیکی امریکا با دولت ایران کار کرده است. به اساس معلومات بدست آمده تریتا پارسی فعالیت های خود را به نفع دولت ایران از سال 1999 بعد از اشتراک در یک کنفرانس هدایت شده توسط ایران در قبرس آغاز کرده است . (برخلاف تریتا پارسی بطوری که محترم احسان مایار در صفحات همین نشریه وزین افغان جرمن آنلاین نوشته اند محترم مایار و مرحوم لودین وقتی در قبرس فهمیدند که دولت ایران قصد استفاده از آنها و دیگر افغانها را دارند از قبرس خارج و از حرکت رهبری شده توسط دولت ایران قطع رابطه کردند) اگر در همین منبع ذکر شده در فوق در مورد تریتا پارسی دقت شود دیده میشود که یکی از ایرانی های که در تشکیلات تریتا پارسی کار میکرد بنام سحر نوروززاده از جمله مشاوران بلند رتبه رئیس جمهور اوباما در امور ایران میباشد . جالب است که در همین راپور از یک طرف عکس تریتا پارسی با برادر رئیس جمهور ایران و معاون وزارت خارجه ایران مشاهده میشود و از طرف دیگر عکس سحر نوروززاده با وزیر خارجه امریکا جان کیری به چاپ رسیده است. هر دو عکس در جریان مذاکرات اخیر قبل از اعلان موافقت در مورد چارچوب توافقنامه دوسیه اتمی ایران گرفته شده است. محسن مخملباف یک فلمساز مشهور ایرانی و از مخالفان حقیقی دولت دیکتاتوری مذهبی متکی بر تشکیلات و سلسله مراتب اهل تشیع خاص ایرانی در مورد تریتا پارسی چنین گفته است: " من فکر میکنم که تریتا پارسی به جنبش سبز تعلق ندارد. من احساس میکنم که فعالیت های گروپ فشاروی به صورت مخفیانه زیاد تر برای دولت جمهوری اسلامی بوده است. " تریتا پارسی و تشکیلات وی آن چنان که در بالا تذکر رفت یکی از جمله "عمل کنندگان و تشکیلات" میباشد که یک جنبه از دیپلماسی عامه در تغیر اذهان عامه به نفع دولت دیکتاتوری مذهبی متکی بر تشکیلات و سلسله مراتب اهل تشیع خاص ایران میباشد.

قضیه و شخص سوم : ولی نصر

ولی نصر یک امریکائی ایرانی الاصل است که پدرش سید حسین نصر از سالیان زیادی منحنیث پروفیسر اسلام شناسی در پوهنتون جورج واشنگتن امریکا درس میدهد و منحنیث یک عالم متخصص اسلام صوفی در امریکا مشهور است و بعضا مورد انتقاد قرار گرفته است که علمای صوفی و شاعران افغان مثل مولانا جلال الدین بلخی را ایرانی و شیعه به دنیا معرفی میکند. ظاهراً ولی نصر هیچ رابطه مستقیم با دولت ایران ندارد و یک شخصیت مشهور و متنفذ در دولت امریکا بوده و فعلاً منحنیث رئیس دیپارتمنت مطالعات بین المللی پوهنتون مشهور هاروارد Harvard امریکا وظیفه انجام میدهد. اما در حقیقت یکی از بزرگترین خدمات را به دولت دیکتاتوری مذهبی متکی بر تشکیلات و سلسله مراتب اهل تشیع خاص ایران همین ولی نصر انجام داده است. ولی نصر با نشر مقالات و کتاب ها منجمله کتاب مشهور بنام رستاخیز شیعه Shia Rising نظریات مردم و سیاست مداران امریکا را در جهت نزدیکی با ایران و تشکیل یک اتحادیه ضد سنی که به نظر وی خطر اصلی برای غرب و امریکا میباشد سوق داده است. بر اساس کتاب ها و مقالات و مصاحبه های ولی نصر مذهب تشیع و ایران در حقیقت بهترین رهبران دیموکراسی و مدرنیته اسلام در شرق میانه هستند و اگر ایران عراق و لبنان متحد و تقویت شوند و تحت اداره معتدل تشیع قرار بگیرند بزرگترین قوت جلوگیری خواهند بود در راه افراط و تروریسم که به استدلال وی صرفاً از مسلمانان سنی برخاسته است. یکی از تحلیلگران بنام توری مونتی که تبصره در مورد کتاب ولی نصر نوشته چنین مینویسد: " کتاب جدید ولی نصر بنام احیای تشیع یک بیانیه سیاسی نابغانه است. عنوان کتاب تمثیل درستی از موضوع کتاب ندارد؛ این کتاب وکالت و مدافعه است نه تاریخ ویا نظریه سیاسی. کتاب مذکور از جمله متقاعد سازنده ترین نوع مدافعه میباشد، بخاطری که هدف نصر این است تا غرب را که سال ها از خمینی ترسیده بودند ، گروگانگیری سفارت امریکا را در ایران مشاهده کردند ، سی سال تعصب انقلاب اسلامی را مشاهده کرده اند ، جاه طلبی احمدی نژاد را برای بدست آوردن سلاح اتمی مشاهده کرده اند ، گروپ های عملیات قاتلانہ شیعه را شاهد بوده اند، حمله تروریستی 1983 بر قوای مرین Marine Forces امریکارا در لبنان شاهد بوده اند ، را متقاعد بسازد که ایران یگانه همکار حقیقی امریکا در شرق میانه است. " ولی نصر شاید رابطه شخصی با دولت ایران نداشته باشد اما فعالیت نظریاتی وی در پیشبرد منافع دولت ایران بی حد و حصر است. جالب این است

د پانوی شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلینکې د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

که ولی نصر در اوج جنگ امریکادر افغانستان در سال های 2009 تا 2011 در وزارت خارجه امریکا منحيث یک متخصص امور افغانستان کار میکرد و رول عمده در شکل دادن نظریه بی اهمیت بودن افغانستان در مقایسه به پاکستان و رابطه امریکا با ایران در ذهن سیاستمداران امریکا بازی کرده است. ولی نصر شدیداً از دولت امریک انتقاد کرده است که چرا پول امریکا را در افغانستان مصرف میکند و مهمترین مثال وی گفته جنرال کیانی لوی درستیز پاکستان است که به امریکا به صراحت گفته است که شما در ساختن اردوی افغانستان ناکام میشوید و اردوی افغانستان با خروج امریکا به گروپ های ملیشه قومی پارچه پارچه خواهد شد. دیده میشود که محمد جوادظریف ماهرانه از دیپلماسی عامه به نفع ایران استفاده کرده است و دولت ایران که یک دولت دیکتاتوری مذهبی متکی بر تشکیلات و سلسله مراتب اهل تشیع خاص ایرانی است مستقیم و غیر مستقیم از دیپلماسی عامه و اشخاص و تشکیلات در اقضا نقاط جهان در جهت منافع دولت ایران استفاده میکنند.

ختم

نوت: افغان های محترم، لطفاً طرز نوشتن اینجانب را معاف بدارید. از یکطرف اینجانب بر اساس ادبیات 35 سال قبل خروج از افغانستان مینویسم، و از طرف دیگر کوشش بندگی اینجانب است تا همسایه های محترم ایرانی و تعقیب کنندگان روش آنها را مجبور بسازم، در خواندن مقاله های من از دکشنری استفاده نمایند.

د پانیو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ